

«بازی ریاکارانه حاکمیت با دستان اصلاح‌طلبان حکومتی»

مهران امیراحمدی

سخنان اخیر محمد خاتمی رییس جمهوری ناکام اصلاحات موجب شد تا حداقل برای هزاران ایرانی این نکته به صراحت روشن گردد که اصلاحات در جمهوری اسلامی از همان ابتدا مرده و فرمایشی به دنیا آمده بود اگر چه این نکته از آغاز روشن و مبرهن بود. با این وجود به رغم این که اصلاح‌طلبان حکومتی بارها به صراحت ماهیت حرکت خود را در شاکله نظام موجود تعریف کرده‌اند، هنوز برخی چشم امید به ایشان بسته‌اند.

سخنان چند ماه قبل مهاجرانی در مبرا بودن خامنه‌ای از فساد اقتصادی و افاضات اخیر خاتمی در این که ملت و ولی فقیه باید هم‌دیگر را عفو نمایند به خوبی نشان از این واقعیت دارد که اصلاح‌طلبان حکومتی در حال رایزنی برای توطئه‌ای دیگر می‌باشند تا بار دیگر با عوام‌فریبی اسب سرکش مطالبات مردم را مهار کرده و همچنان در میدان محصور و خارج از مفرهای رهایی بخش، وجدان جمعی جامعه را به بازی گیرند. این توطئه وقتی جدی‌تر می‌شود که فرخ نگهدار مبارز سابق که روابط گرمی با اصلاح‌طلبان حکومتی دارد، علن اعلام می‌کند راهی جز حرکت در ساختارهای پوسیده نظام جمهوری اسلامی برای مردم ایران باقی نمانده است.

تمام این شنیده‌ها در کنار هم نشان از یک بازی شوم و نفرت بار می‌هد که حاکمیت در طول این سال‌ها به خوبی از طریق اصلاح‌طلبان حکومتی و برخی از ساده لوحان فرنگ‌نشین، در پیش گرفته است. این قضایا در حالی قابل بررسی است که ولی فقیه یعنی سلطان خودکامه ایران، برای مشروعیت بخشیدن به شیوه حکمرانی خویش با قربانی کردن رییس جمهور دست‌آموزی که بنای نافرمانی گذاشته، عملن باب استارت این بازی ریاکارانه را باز کرده است. از این رو برخی از اصلاح‌طلبان حکومتی و بعضی از خارج نشینان

ساده‌لوح از هم اکنون خود را برای یک فریب دیگر آماده می‌نمایند، نیرنگی که شاید رویاهای شیرین ملتی خسته از استبداد را به کابوس بقای بیش‌تر جمهوری اسلامی تبدیل نماید. این در حالی است که برخی از همکاران رسانه‌ای ما نیز که در صداقت ایشان شکی ندارم گو یا تمایل دارند تا از یک سوراخ بارها گزیده شوند و عملن به عنوان ابزاری در دست این روی‌کرد خائنانه قرار گرفته‌اند. بی‌شک خامنه‌ای، هاشمی و خاتمی بازی‌گران اصلی این بازی ریاکارانه خواهند بود که البته منافع مشترک، ایشان را در کنار هم قرار خواهد داد در غیر این صورت هیچ‌کدام از این اضلاع مثلث در باطن و ظاهر تاب تحمل هم دیگر را نداشته و ندارند.

ناگفته نماند اگر در دوره اصلاحات به روی‌کردهای ریاکارانه نظام و برخی اصلاح‌طلبان حکومتی خرده می‌گرفتیم علاوه بر این‌که به تندروی و تضعیف جنبش اصلاحات متهم می‌شدیم ما را به بیگانگان و دولت‌های خارجی وصل می‌کردند. متأسفانه اکنون نیز مخالفان و منتقدان جدی این نظام به انحای مختلف تحت فشار هستند چراکه اصلاح‌طلبان حکومتی بیش از پیش در نهادهای سیاسی و رسانه‌های بین‌المللی دست با لا را دارند، گویا قرار است فریادهای ۳۰ ساله مردم ایران با عایق‌های صوتی اصلاح‌طلبان حکومتی، هم‌چنان به جایی نرسد. نگارنده و بسیاری از دوستان که در داخل ایران بودیم همواره به بازی‌های ساختگی محافظه‌کاران و خام‌اندیشی برخی از نیروهای داخلی و خارجی از همان ابتدا با دیده شک و تردید می‌نگریستیم و به رغم فشارها و محدودیت‌هایی که از جانب محافظه‌کاران و اصلاح‌طلبان بر ما تحمیل می‌گشت، بارها با زبان بی‌زبانی داد بر آوردیم ولی افسوس که هیچ صدایی از این نحوه نگرش شنیده نشد و تاسف‌بارتر این‌که هنوز هم شنیده نمی‌شود. نگارنده ۹ سال پیش بر روی‌کردهای کج‌دار مریز اصلاح‌طلبان حکومتی خرده گرفتم که حاصلش چیزی نبود جز بایکوت و خفقان از سوی هر دو جناح حکومت، تصویر بالا شاهدهی است بر این ادعا.

باری اگر نیروها سکولار و دگراندیش در شرایط فعلی نتوانند صدای واقعی مردم ایران یعنی حرکت و زیست در خارج از افق‌های جمهوری اسلامی را به گوش جهانیان برسانند قطعاً حاکمان فرصت‌طلب فعلی، بار دیگر با ریاکاری و عوام‌فریبی خواهند توانست اسب سرکش مطالبات مردم ایران را برای چند صباح دیگر مهار کنند.

آیا مردم ایران بار دیگر در دام دسیسه‌های حاکمان خود کامه ایران قرار خواهند.